

به جهت حرام است نه احرام. ۱۲ - ماندن در منی مسأله ۲۲۴۶: شب یازدهم و دوازدهم، باید حجاج در منی بمانند و اگر انسان در حال احرام، معاشرت با زن یا صید کرده باشد، باید شب سیزدهم را نیز در منی بماند. و چنین نیت میکند: (بیتوته میکنم در منی، به جهت تقرب به درگاه پروردگار). مسأله ۲۲۴۷: اگر انسان در حال احرام، معاشرت با زن و یا صید نکرده باشد، میتواند بعد از ظهر روز دوازدهم، از منی خارج شود و چنانچه تا غروب آفتاب، در آنجا باشد، باید آن شب را نیز در منی بماند. مسأله ۲۲۴۸: اگر انسان در منی نماند، باید برای هر روز، یک گوسفند کفاره بدهد و چنانچه عمدا در آنجا نمانده باشد، معصیت کرده ولی حج او صحیح است. ۱۳ - رمی جمرات مسأله ۲۲۴۹: - حجاج، در روزهایی که شب آن، در منی بیتوته کرده اند، یعنی روز یازدهم و دوازدهم و گاهی سیزدهم، باید جمرات سه گانه را رمی بکنند. به این ترتیب: استوانه اول را هفت سنگ ریزه بزنند، سپس استوانه دوم را هفت سنگ ریزه و بعد استوانه عقبه را هفت سنگ ریزه بزنند و با پایان گرفتن این اعمال، حج تمام میشود.

احکام زکات

مسأله ۲۰۰۷: زکات فقط در نه چیز واجب است: اول: گندم. دوم: جو. سوم: خرما. چهارم: کشمش. پنجم: طلا. ششم: نقره. هفتم: شتر. هشتم: گاو. نهم: گوسفند. و اگر کسی یکی از این نه چیز را مالک باشد، با شرایطی که بعداً گفته میشود، باید مقدار معینی، به عنوان زکات بپردازد. مسأله ۲۰۰۸: (سُیْلَت) که دانه ایست به نرمی گندم و خاصیت جو دارد و (عَلَس) که مانند گندم است و خوراک مردم (صنعا) میباشد، بنا بر احتیاط باید زکات آن داده شود. شرایط واجب شدن زکات مسأله ۲۰۰۹: زکات در صورتی واجب میشود که مال به مقدار نصاب که بعداً گفته میشود، برسد و مالک آن، بالغ، عاقل و آزاد باشد و بتواند در آن مال تصرف کند. مسأله ۲۰۱۰: اگر انسان یازده ماه، مالک گاو، گوسفند، شتر، طلا و نقره باشد، اول ماه دوازدهم بنا بر احتیاط باید زکات آن را بدهد، ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم، حساب کند. مسأله ۲۰۱۱: اگر مالک گاو، گوسفند، شتر، طلا و نقره در بین سال بالغ شود بنا بر احتیاط زکات را بدهد، مثلاً اگر بچه ای در اول محرم، مالک چهل گوسفند شود و بعد از گذشتن دو ماه بالغ گردد، یازده ماه که از اول محرم بگذرد، اگر شرایط دیگر را نیز دارا باشد، بنا بر احتیاط باید زکات بدهد. مسأله ۲۰۱۲: زکات گندم و جو، وقتی واجب میشود که به آنها گندم و جو گفته شود. و زکات کشمش بنا بر احتیاط، وقتی واجب میشود که غوره است. و موقعی که رنگ خرما زرد یا سرخ شد، بنا بر احتیاط زکات آن واجب میشود، ولی وقت دادن زکات، در گندم و جو، موقع خرمن و جدا کردن کاه آن و در خرما و کشمش هنگامی است که خشک شده باشد. مسأله ۲۰۱۳: اگر موقع واجب شدن زکات گندم، جو، کشمش و خرما که در مسأله پیش گفته شد، صاحب آن بالغ باشد، باید زکات بدهد. مسأله ۲۰۱۴: اگر صاحب گاو، گوسفند، شتر، طلا و نقره در تمام سال دیوانه باشد، زکات بر او واجب نیست، ولی اگر در مقداری از سال، دیوانه باشد و در آخر سال عاقل گردد، بنا بر احتیاط زکات بر او واجب است. مسأله ۲۰۱۵: اگر صاحب گاو، گوسفند، شتر، طلا و نقره، مقداری از سال، مست و بیهوش شود، زکات از او ساقط نمیشود و همچنین است اگر موقع واجب شدن زکات گندم، جو، خرما و کشمش مست یا بیهوش باشد. مسأله ۲۰۱۶: مالی را که از انسان غصب کرده اند و نمیتواند در آن تصرف کند زکات ندارد. ولی اگر زراعتی را از او غصب کنند و موقعی که زکات آن واجب میشود، در دست غصب کننده باشد، هر وقت به صاحبش برگشت، بنا بر احتیاط زکات آن را بدهد. مسأله ۲۰۱۷: اگر طلا- و نقره یا چیزی دیگر که زکات آن واجب است، قرض کند و یک سال نزد او بماند، باید زکات آن را بدهد و بر کسی که قرض داده چیزی واجب نیست. زکات گندم، جو، خرما و کشمش مسأله ۲۰۱۸: زکات گندم، جو، خرما و کشمش وقتی واجب میشود که به مقدار نصاب برسد، که معادل ۲۰۷/۸۴۷ کیلو گرم میباشد. مسأله ۲۰۱۹: اگر پیش از دادن زکات، از انگور، خرما، جو و گندمی که زکات آن واجب شده، خود و عیالاتش بخورند، یا مثلاً به فقیر بدهد، باید زکات مقداری که مصرف کرده، بدهد. مسأله ۲۰۲۰: اگر هنگامی که زکات گندم، جو خرما و انگور واجب شد، مالک آن بمیرد،

باید مقدار زکات را از مال او بدهند، ولی اگر پیش از واجب شدن زکات بمیرد، هریک از ورثه که سهم او به اندازه نصاب است، باید زکات سهم خود را بدهد. مسأله ۲۰۲۱: کسی که از طرف حاکم شرع، مأمور جمع آوری زکات است، موقع خرمن که گندم و جو را از کاه جدا میکنند و بعد از خشک شدن خرما و انگور، میتواند زکات را مطالبه کند و اگر مالک ندهد و چیزی که زکات آن واجب شده، از بین برود باید عوض آن را بدهد. مسأله ۲۰۲۲: اگر بعد از مالک شدن درخت خرما و انگور، یا زراعت گندم و جو، زکات آن واجب شود، مثلاً خرما در ملک او زرد یا سرخ شود، باید زکات آن را بدهد. مسأله ۲۰۲۳: اگر بعد از آنکه زکات گندم، جو، خرما و انگور واجب شد، زراعت و درخت را بفروشد، باید زکات آن را بدهد. مسأله ۲۰۲۴: اگر انسان گندم، یا جو، یا خرما و یا انگور را بخرد و بداند فروشنده زکات آن را داده، یا شک کند که داده یا نه، چیزی بر او واجب نیست و اگر بداند زکات آن را نداده، چنانچه حاکم شرع، معامله مقدار زکات را اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است و حاکم شرع، میتواند مقدار زکات را از خریدار بگیرد و اگر معامله مقدار زکات را اجازه دهد، معامله صحیح است و خریدار باید آن مقدار را، به حاکم شرع بدهد و در صورتی که قیمت آن مقدار را به فروشنده داده باشد، میتواند از او پس بگیرد. مسأله ۲۰۲۵: اگر وزن گندم، جو، خرما و کشمش موقعی که تر است به ۲۰۷/۸۴۷ کیلوگرم برسد و بعد از خشک شدن کمتر از این مقدار شود، زکات آن واجب نیست. مسأله ۲۰۲۶: اگر گندم، جو و خرما را پیش از خشک شدن، مصرف کند چنانچه خشک آن، به اندازه نصاب باشد، باید زکات آن را بدهد. مسأله ۲۰۲۷: خرمایی که تازه آن را میخورند و اگر بماند، خیلی کم میشود، چنانچه مقداری باشد که خشک آن به ۲۰۷/۸۴۷ کیلوگرم برسد، زکات آن واجب است و اگر بعد از خشک شدن، به آن خرما نگویند زکات واجب نیست. مسأله ۲۰۲۸: گندم، جو، خرما و کشمش که زکات آن را داده است، اگر چند سال نیز نزد او بماند زکات ندارد. مقدار زکات مسأله ۲۰۲۹: اگر گندم، جو، خرما و انگور از آب باران یا نهر آبیاری شود، یا از رطوبت زمین استفاده کند، زکات آن یک دهم (۱۰٪) است. و اگر با دلو و مانند آن آبیاری گردد، زکات آن یک بیستم (۵٪) است. و اگر مقداری از باران یا نهر و یا رطوبت زمین استفاده کند و به همان مقدار از آبیاری با دلو و مانند آن استفاده نماید، زکات نصف آن، یک دهم و زکات نصف دیگر آن، یک بیستم میباشد، یعنی (۵/۷٪) یا از چهل قسمت، سه قسمت آن را باید بابت زکات بدهد. مسأله ۲۰۳۰: اگر گندم، جو، خرما و انگور، هم از آب باران آبیاری شود و هم از آب دلو و مانند آن استفاده کند، چنانچه طوری باشد که بگویند آبیاری با دلو و مانند آن غلبه داشته، زکات آن یک بیستم (۵٪) است و اگر بگویند آبیاری با آب نهر و باران غلبه داشته، زکات آن یک دهم (۱۰٪) است، بلکه اگر نگویند آب باران و نهر غلبه داشته، ولی آبیاری با آب باران و نهر بیشتر از آب دلو و مانند آن باشد، بنا بر احتیاط واجب، زکات آن یک دهم میباشد. مسأله ۲۰۳۱: اگر شک کند آبیاری با آب باران و آب دلو، به یک اندازه بوده یا آب باران غلبه داشته، میتواند از نصف آن، یک دهم و از نصف دیگر آن، یک بیستم بدهد. و نیز اگر شک کند هر دو به یک اندازه بوده یا آبیاری با دلو غلبه داشته، میتواند زکات تمام آن را یک بیستم بدهد. مسأله ۲۰۳۲: اگر گندم، جو، خرما و انگور، با آب باران و نهر آبیاری شود و به آب دلو و مانند آن محتاج نباشد، ولی با آب دلو نیز آبیاری گردد و آب دلو به زیاد شدن محصول کمک کند، زکات آن یک دهم است و اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود و به آن نهر و باران محتاج نباشد، ولی از آب نهر و باران نیز استفاده کند و به زیاد شدن محصول کمک کند، زکات آن، یک بیستم است. مسأله ۲۰۳۳: اگر زراعتی را با دلو و مانند آن آبیاری کنند و در زمین پهلوی آن، زراعتی کنند که از رطوبت آن زمین، استفاده نماید و محتاج به آبیاری نباشد، زکات زراعتی که با دلو آبیاری شده، یک بیستم و زکات زراعت پهلوی آن، یک دهم میباشد. مسأله ۲۰۳۴: مخارجی که برای گندم، جو، خرما و انگور کرده است، حتی مقداری که از قیمت وسایل و لباس که بر اثر زراعت کم شده، میتواند از حاصل کسر کند و چنانچه باقیمانده آن به ۲۰۷/۸۴۷ کیلوگرم برسد، باید زکات آن را بدهد. مسأله ۲۰۳۵: تخمی را که برای زراعت مصرف نموده، اگر از خودش باشد، به مقدار وزن آن، میتواند از حاصل کسر کند و اگر خریده باشد، میتواند قیمتی را که برای خرید آن داده، جزو مخارج حساب نماید.

مسئله ۲۰۳۶: اگر زمین و وسایل زراعت، یا یکی از این دو، ملک خود او باشد، نباید کرایه آن را جزو مخارج، حساب کند و نیز رای کارهایی که خودش کرده یا دیگری بیاجرت انجام داده، چیزی از حاصل، کسر نمیشود. مسئله ۲۰۳۷: اگر درخت انگور یا خرما را بخرد، بنا بر احتیاط قیمت آن جزو مخارج نیست ولی اگر خرما یا انگور را پیش از چیدن بخرد، پولی که برای آن داده، جزو مخارج حساب میشود. مسئله ۲۰۳۸: اگر زمینی بخرد و در آن، گندم یا جو بکارد، پولی که برای خرید زمین داده، بنا بر احتیاط جزو مخارج حساب نمیشود، ولی اگر زراعت را بخرد، پولی که برای خرید آن داده میتواند جزو مخارج، حساب نماید و از حاصل کم کند، اما باید قیمت کاهی را که از آن به دست می‌آید، از پولی که برای خرید زراعت داده کسر نماید، مثلاً اگر زراعتی را پانصد تومان بخرد و قیمت کاه آن، صد تومان باشد، فقط چهار صد تومان آن را میتواند جزو مخارج حساب نماید. مسئله ۲۰۳۹: کسی که بدون گاو و چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است، میتواند زراعت کند، اگر آن را بخرد، میتواند پولی که برای خرید آن داده، جزو مخارج حساب نماید. مسئله ۲۰۴۰: کسی که بدون گاو یا چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است، نمیتواند زراعت کند، اگر آن را بخرد و بر اثر زراعت به کلی از بین برود، میتواند قیمت آن را جزو مخارج حساب نماید و اگر مقداری از قیمت آن کم شود، میتواند آن مقدار را جزو مخارج حساب کند، ولی اگر بعد از زراعت چیزی از قیمت کم نشود، بنا بر احتیاط نباید چیزی از قیمت آن را جزو مخارج حساب نماید. مسئله ۲۰۴۱: اگر در یک زمین جو، گندم و چیزی مانند برنج و لوبیا که زکات آن واجب نیست بکارد، مخارجی که کرده، باید بر هر دو، قسمت نماید، مثلاً اگر هر دو به یک اندازه بوده، میتواند نصف مخارج را از جنسی که زکات دارد، کسر نماید. مسئله ۲۰۴۲: اگر برای شخم زدن یا کار دیگری که تا چند سال فایده دارد خرجی کند، میتواند آن را جزو مخارج سال اول حساب نماید. مسئله ۲۰۴۳: اگر انسان، در چند شهر که فصل آنها با یکدیگر اختلاف دارد و زراعت و میوه آنها، در یک وقت به دست می‌آید گندم، یا جو، یا خرما و یا انگور داشته باشد و همه آنها محصول یکسال حساب شود، چنانچه چیزی که اول میرسد به اندازه نصاب یعنی ۲۰۷/۸۴۷ کیلو گرم باشد، باید زکات آن را موقعی که میرسد بدهد و زکات بقیه را هر وقت، بدست می‌آید ادا نماید و اگر آنچه اول میرسد به اندازه نصاب نباشد، در صورتی که یقین دارد، با آنچه بعد به دست می‌آید به اندازه نصاب میشود، باز هم واجب است، زکات آنچه را که رسیده، همان وقت و زکات بقیه را موقعی که میرسد بدهد و اگر یقین ندارد که همه آنها، به اندازه نصاب شود، صبر میکند تا بقیه آن برسد، پس اگر روی هم به مقدار نصاب شود، زکات آن واجب است و اگر به مقدار نصاب نشود، زکات آن واجب نیست. مسئله ۲۰۴۴: اگر درخت خرما یا انگور، در یک سال دو مرتبه میوه دهد، چنانچه روی هم، به مقدار نصاب باشد، بنا بر احتیاط زکات آن واجب است. مسئله ۲۰۴۵: اگر مقداری خرما یا انگور تازه دارد که خشک آن، به اندازه نصاب میشود، چنانچه به قصد زکات مقداری از تازه آن را به مستحق بدهد که اگر خشک شود به اندازه زکاتی باشد که بر او واجب است، اشکال ندارد. مسئله ۲۰۴۶: اگر زکات خرما یا خشک یا کشمش بر او واجب باشد، نمیتواند زکات آن را از خرما یا انگور بدهد و نیز اگر زکات خرما یا انگور، بر او واجب باشد، نمیتواند زکات آن را از خرما یا خشک یا کشمش بدهد، اما اگر یکی از اینها یا چیز دیگری را به قصد قیمت زکات بدهد، مانعی ندارد. مسئله ۲۰۴۷: کسی که بدهکار است و مالی دارد که زکات آن واجب شده، اگر بمیرد، باید اول تمام زکات را از مالی که زکات آن واجب شده بدهند، بعد قرض او را ادا نمایند. مسئله ۲۰۴۸: کسی که بدهکار است و گندم، یا جو، یا خرما و یا انگور نیز دارد، اگر بمیرد و پیش از آنکه زکات اینها واجب شود، ورثه قرض او را از مال دیگری بدهند، هر کدام که سهمش به ۲۰۷/۸۴۷ کیلو گرم برسد، باید زکات بدهد و اگر پیش از آنکه زکات اینها واجب شود، قرض او را ندهند و برای طلبکارها نیز ضمانت دین را نکرده باشند، با رضایت آنها، چنانچه مال میت فقط به اندازه بدهی او باشد، واجب نیست زکات اینها را بدهند. و اگر مال میت، بیشتر از بدهی او باشد، در صورتی که بدهی او به قدریست که اگر بخواهند ادا نمایند، باید مقداری از گندم، جو، خرما و انگور را نیز به طلبکار بدهند، آنچه را به طلبکار میدهند، زکات ندارد و بقیه، مال ورثه است و هر کدام که سهمش، به اندازه نصاب شود،

باید زکات آن را بدهد. مسأله ۲۰۴۹: اگر گندم، جو، خرما و کشمش که زکات آن واجب شده، خوب و بد دارد، بنا بر احتیاط واجب زکات هر کدام از خوب و بد را، از خود آن بدهد. نصاب طلا مسأله ۲۰۵۰: طلا - دو نصاب دارد، نصاب اول: بیست مثقال شرعی است و هر مثقال آن هیجده نخود می باشد. پس وقتی طلا - به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال معمولی است برسد، اگر شرایط دیگر را که گفته شد داشته باشد، انسان باید یک چهل (۵/۲) آن را که نه نخود میشود زکات بدهد. و اگر به این مقدار نرسد، زکات آن واجب نیست. نصاب دوم: چهار مثقال شرعی که سه مثقال معمولی میشود، یعنی اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود، باید زکات تمام هیجده مثقال را از قرار یک چهل (۵/۲) بدهد و اگر کمتر از سه مثقال اضافه شود، فقط باید زکات پانزده مثقال را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است هر چه بالا رود. یعنی اگر سه مثقال اضافه شود، باید زکات آن را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده زکات ندارد. نصاب نقره مسأله ۲۰۵۱: نقره دو نصاب دارد، نصاب اول: یکصد و پنج مثقال معمولی است، اگر نقره به یکصد و پنج مثقال برسد و شرایط دیگر را که گفته شد داشته باشد، انسان باید یک چهل (۵/۲) آن را که دو مثقال و پانزده نخود است، زکات بدهد و اگر به این مقدار نرسد، زکات آن واجب نیست. نصاب دوم: بیست و یک مثقال است، یعنی اگر بیست و یک مثقال به یکصد و پنج مثقال اضافه شود، باید زکات تمام یکصد و بیست و شش مثقال را همانگونه که گفته شد، بدهد. و اگر کمتر از بیست و یک مثقال اضافه شود، فقط باید زکات یکصد و پنج مثقال را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است هر چه بالا رود، یعنی اگر بیست و یک مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آن را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده و کمتر از بیست و یک مثقال است زکات ندارد، بنا بر این اگر انسان یک چهل (۵/۲) هر چه طلا و نقره دارد بدهد، زکاتی را که بر او واجب بوده داده و چه بسا بیشتر از مقدار واجب نیز داده است. مثلاً کسی که یکصد و ده مثقال نقره دارد، اگر یک چهل (۵/۲) آن را بدهد، زکات یکصد و پنج مثقال آن را که واجب بوده داده و مقداری نیز برای پنج مثقال آن داده که واجب نبوده است. چند مسأله مسأله ۲۰۵۲: کسی که طلا یا نقره او به اندازه نصاب است، اگرچه زکات آن را داده باشد، تا وقتی از نصاب اوّل کم نشده، هر سال باید زکات آن را بدهد. مسأله ۲۰۵۳: زکات طلا و نقره در صورتی واجب میشود که آن را سکه زده باشند و معامله با آن رایج باشد، اگرچه سکه آن نیز از بین رفته باشد. مسأله ۲۰۵۴: طلا و نقره سکه داری که زنهار، برای زینت بکار میبرند، زکات آن واجب نیست. مسأله ۲۰۵۵: کسی که طلا و نقره دارد، اگر هیچکدام آنها، به اندازه نصاب اول نباشد، مثلاً یکصد و چهار مثقال نقره و چهارده مثقال طلا داشته باشد، زکات بر او واجب نیست. مسأله ۲۰۵۶: زکات طلا - و نقره در صورتی واجب میشود که انسان، یازده ماه، مالک مقدار نصاب باشد و اگر در بین یازده ماه، طلا و نقره او از نصاب اول کمتر شود، زکات بر او واجب نیست. مسأله ۲۰۵۷: اگر در بین یازده ماه طلا و نقره ای را که دارد، با طلا یا نقره و یا چیز دیگری، عوض نماید یا آنها را آب کند، زکات بر او واجب نیست، ولی اگر برای فرار از زکات چنین کند، بنا بر احتیاط مستحب زکات را پردازد. مسأله ۲۰۵۸: اگر در ماه دوازدهم، طلا و نقره را آب کند. باید زکات آن را بدهد و چنانچه به سبب آب کردن، وزن یا قیمت آن کم شود، باید زکاتی را که پیش از آب کردن، بر او واجب بوده بدهد. مسأله ۲۰۵۹: اگر طلا و نقره ای که دارد، خوب و بد داشته باشد، میتواند زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آن بدهد، ولی بهتر است زکات همه آن را از طلا و نقره خوب بدهد. مسأله ۲۰۶۰: طلا و نقره ای که بیشتر از اندازه معمول، فلز دیگر دارد، اگر خالص آن به اندازه نصاب که مقدار آن گفته شد برسد، انسان باید زکات آن را بدهد. و چنانچه شک دارد خالص آن به اندازه نصاب هست یا نه، باید با آب کردن، یا از راه دیگری، مقدار خالص آن را معلوم کند. مسأله ۲۰۶۱: اگر طلا و نقره ای که دارد، به مقدار معمول، فلز دیگر با آن مخلوط باشد، نمیتواند زکات آن را از طلا و نقره ای بدهد که بیشتر از معمول، فلز دیگر دارد، ولی اگر به قدری بدهد که یقین کند، طلا - و نقره - خالصی که در آن هست، به اندازه نصاب زکاتی می باشد که بر او واجب بوده، اشکال ندارد. زکات شتر، گاو و گوسفند مسأله ۲۰۶۲: زکات شتر، گاو و گوسفند به غیر از شرطهایی که گفته شد، دو شرط دیگر نیز دارد، اول: باید حیوان در

تمام سال بیکار باشد. دوم: باید در تمام سال از علف بیابان بچرد، پس اگر تمام سال یا مقداری از آن، از علف چیده شده، یا از زراعتی که ملک مالک یا ملک شخص دیگری است بچرد، زکات ندارد. مسأله ۲۰۶۳: اگر انسان برای شتر، گاو و گوسفند خود، چراگاهی که کسی آن را نکاشته بخرد، یا اجاره کند، یا برای چراندن در آن باج بدهد، بنا بر احتیاط باید زکات را بپردازد. نصاب شتر مسأله ۲۰۶۴: شتر دوازده نصاب دارد، اول: پنج شتر و زکات آن یک گوسفند است و تا شماره ۱۰ شتر به این مقدار نرسد زکات ندارد. دوم: ده شتر و زکات آن دو گوسفند است. سوم پانزده شتر و زکات آن سه گوسفند است. چهارم: بیست شتر، زکات آن چهار گوسفند است. پنجم: بیست و پنج شتر و زکات آن پنج گوسفند است. ششم: بیست و شش شتر و زکات آن یک شتری است که داخل سال دوم شده باشد. هفتم: سی و شش شتر و زکات آن یک شتری است که داخل سال سوم شده باشد. هشتم: چهل و شش شتر و زکات آن یک شتری که داخل سال چهارم شده باشد. نهم: شصت و یک شتر و زکات آن یک شتری است که داخل سال پنجم شده باشد. دهم: هفتاد و شش شتر و زکات آن دو شتری است که داخل سال سوم شده باشد. یازدهم: نود و یک شتر و زکات آن دو شتری است که داخل سال چهارم شده باشد. دوازدهم: صد و بیست و یک شتر و بالاتر، که باید یا چهل چهل، حساب کند و برای هر چهل، یک شتری بدهد که داخل سال سوم شده باشد، یا پنجاه پنجاه، حساب کند، و برای هر پنجاه، یک شتری بدهد که داخل سال چهارم شده باشد، و یا با چهل و پنجاه حساب کند، ولی در هر صورت، بنا بر احتیاط طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی میماند، از نه شتر بیشتر نباشد، مثلاً اگر یکصد و چهل شتر دارد، باید برای صد، دو شتری که داخل سال چهارم شده و برای چهل، یک شتری که داخل سال سوم شده بدهد. مسأله ۲۰۶۵: زکات بین دو نصاب واجب نیست، پس اگر شماره ۱۰ شترهایی که دارد از نصاب اول که پنج است بگذرد، تا به نصاب دوم که ده است نرسیده، فقط باید زکات پنج شتر آن را بدهد. و همچنین است در نصابهای بعد. نصاب گاو مسأله ۲۰۶۶: گاو دو نصاب دارد، اول: سی. وقتی شماره ۱۰ گاوها به سی رسید، اگر شرایطی را که گفته شد داشته باشد، انسان باید یک گوساله که داخل سال دوم شده بابت زکات بدهد. دوم: چهل و زکات آن یک گوساله ماده ای است که داخل سال سوم شده باشد. و زکات بین سی و چهل، واجب نیست، مثلاً کسی که، سی و نه گاو دارد، فقط باید زکات سی گاو را بدهد و نیز اگر از چهل گاو زیاده داشته باشد، تا به شصت نرسیده، فقط باید زکات چهل گاو را بدهد و هنگامی به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اول است، باید دو گوساله که داخل سال دوم شده، بدهد و همچنین هر چه بالا رود، باید یا سی سی حساب کند یا چهل چهل، یا با سی و چهل حساب نماید و زکات آن را بپردازد. ولی بنا بر احتیاط طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی میماند از نه بیشتر نباشد، مثلاً اگر هفتاد گاو دارد، باید و سی و چهل حساب کند و برای سی گاو آن، زکات سی و برای چهل گاو آن زکات چهل را بدهد، اما اگر سی و سی حساب کند، ده گاو زکات نداده میماند. نصاب گوسفند مسأله ۲۰۶۷: گوسفند پنج نصاب دارد، اول: چهل. و زکات آن یک گوسفند است و تا شمار گوسفندان به چهل نرسد زکات ندارد. دوم: صد و بیست و یک و زکات آن دو گوسفند است. سوم: دویست و یک و زکات آن سه گوسفند است. چهارم: سیصد و یک و زکات آن چهار گوسفند است. پنجم: چهار صد و بالاتر، که باید آنها را صد صد حساب کند و برای هر صد گوسفند یک گوسفند بدهد و لازم نیست زکات را از خود گوسفندها بدهد، بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد، یا طبق قیمت گوسفند، پول و یا جنس دیگری بدهد، کافی است. مسأله ۲۰۶۸: زکات بین دو نصاب، واجب نیست، پس اگر شماره گوسفندها از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد، تا به نصاب دوم که صد و بیست و یک است نرسیده، فقط باید زکات چهل گوسفند را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است در نصابهای بعد. چند مسأله مسأله ۲۰۶۹: زکات شتر، گاو و گوسفند اگر به مقدار نصاب برسد واجب است، چه همه ۱۰ آنها نر باشند یا ماده، یا بعضی نر باشند و بعضی ماده. مسأله ۲۰۷۰: در زکات، گاو و گاو میش، یک جنس حساب میشود، و شتر عربی و غیر عربی، یک جنس است و همچنین بز و میش در زکات باهم فرق ندارند. مسأله ۲۰۷۱: اگر برای زکات، گوسفند بدهد، باید حداقل هفت ماه کامل داشته باشد و بنا بر احتیاط

مستحب داخل سال دوم شده باشد و اگر بز بدهد باید حداقل یک سالش کامل شده و بنا بر احتیاط مستحب داخل سال سوم شده باشد. مسأله ۲۰۷۲: گوسفندی که بابت زکات می‌دهد، اگر قیمتش مختصری از گوسفندهای دیگر او، کمتر باشد اشکال ندارد. ولی بهتر است گوسفندی بدهد که قیمت آن از تمام گوسفندهایش بیشتر باشد و همچنین است در گاو و شتر. مسأله ۲۰۷۳: اگر چند نفر، باهم شریک باشند، هر کدام که سهمش به نصاب اول رسیده، باید زکات بدهد و بر کسی که سهم او کمتر از نصاب اول است، زکات واجب نیست. مسأله ۲۰۷۴: اگر یک نفر در چند جا، گاو، یا شتر و یا گوسفند داشته باشد و روی هم، به اندازه نصاب باشد باید زکات آن را بدهد. مسأله ۲۰۷۵: اگر گاو، گوسفند و شتری که دارد، بیمار و معیوب باشد، باید زکات آن را بدهد. مسأله ۲۰۷۶: اگر گاو، گوسفند و شتری که دارد، همه بیمار، یا معیوب و یا پیر باشد، میتواند زکات را از خود آنها بدهد، ولی اگر همه سالم، بی عیب و جوان باشد، نمیتواند زکات آن را از بیمار، یا معیوب و یا پیر بدهد، بلکه اگر بعضی از آنها سالم، بعضی بیمار، دسته ای معیوب، دسته دیگر عیب، مقداری پیر و مقداری جوان باشد، بنا بر احتیاط برای زکات آن، سالم، بیعیب و جوان بدهد. مسأله ۲۰۷۷: اگر پیش از تمام شدن ماه یازدهم، گاو، گوسفند و شتری را که دارد، با چیز دیگری عوض کند، یا نصابی را که دارد با مقدار نصاب از همان جنس عوض نماید، مثلاً چهل گوسفند بدهد و چهل گوسفند دیگر بگیرد، زکات بر او واجب نیست. مسأله ۲۰۷۸: کسی که باید زکات گاو، گوسفند و شتر را بدهد، اگر زکات آن را از پول، یا طلا و نقره بدهد، تا وقتی شماره آن از نصاب کم نشده، همه ساله باید زکات بدهد. و اگر از خود آن بدهد و از نصاب اول کمتر شود، زکات بر او واجب نیست، مثلاً کسی که چهل گوسفند دارد، اگر از مال دیگری، زکات آن را بدهد، تا وقتی که گوسفندهای او از چهل کم نشده، هر سال باید یک گوسفند بدهد و اگر از خود آنها بدهد، تا وقتی به چهل نرسیده، زکات بر او واجب نیست. مصرف زکات مسأله ۲۰۷۹: زکات در هشت مورد مصرف میشود، اول: فقیر. یعنی کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد، اما کسی که صنعت، یا ملک و یا سرمایه ای دارد که میتواند مخارج سال خود را تهیه کند فقیر نیست. دوم: مسکین یعنی کسی که از فقیر سخت تر میگذراند. سوم: کسی که از طرف امام معصوم (ع) یا نایب امام مأمور است زکات را جمع و نگهداری نماید، به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام (ع) یا نایب امام یا فقرا برساند. چهارم: کافرهایی که اگر زکات به آنان بدهند به دین اسلام مایل میشوند، یا در جنگ به مسلمانان کمک میکنند. و همچنین مسلمانانی که دین آنها ضعیف دارد. پنجم: خرید برده ها و آزاد کردن آنان. ششم: بدهکاری که نمیتواند بدهی خود را بدهد. هفتم: سبیل الله، یعنی کارهایی که منفعت عمومی دینی دارد، مانند ساختن مسجد و مدرسه ای که علوم دینی در آن خوانده میشود، یا برای مسلمانان منفعت دنیایی داشته باشد. هشتم: ابن السبیل، یعنی مسافری که در سفر درمانده شده است. مسأله ۲۰۸۰: جایز است به فقیر و مسکین، بیشتر از مخارج سال خود و عیالاتش یک مرتبه از زکات بدهد و اگر فقیر یا مسکین کاسب باشد و مقداری پول یا جنس دارد، بنا بر احتیاط واجب، باید فقط به اندازه کسری مخارج یک سالش به او زکات بدهد. مسأله ۲۰۸۱: کسی که مخارج سالش را داشته، اگر مقداری از آن را مصرف کند و بعد شک کند آنچه باقی مانده، به اندازه مخارج سال او هست یا نه، نمیتواند بدون تحقیق زکات بگیرد. مسأله ۲۰۸۲: صنعتگر، یا مالک و یا تاجری که در آمد او از مخارج سالش کمتر است، میتواند برای کسری مخارجش زکات بگیرد و لازم نیست ابزار کار، یا ملک و یا سرمایه را خود را برای مخارج زندگی مصرف نماید. مسأله ۲۰۸۳: فقری که خرج سال خود و عیالاتش را ندارد، اگر خانه ای دارد که ملک اوست و در آن نشسته، یا مال سواری دارد، چنانچه بدون آنها نتواند زندگی کند، اگرچه برای حفظ آبرویش باشد، میتواند زکات بگیرد و همچنین است اثاث خانه، ظرف، لباس تابستانی و زمستانی و چیزهایی که به آن احتیاج دارد. و فقری که اینها را ندارد، اگر به آن احتیاج داشته باشد، میتواند از زکات خریداری نماید. مسأله ۲۰۸۴: فقری که یاد گرفتن صنعت، برای او مشکل نیست، بنا بر احتیاط واجب، باید یاد بگیرد و با گرفتن زکات زندگی نکند، ولی تا وقتی مشغول یاد گرفتن است، میتواند زکات بگیرد.. مسأله ۲۰۸۵: به کسی که قبلاً فقیر بوده و میگوید فقیرم، اگرچه انسان از گفته او اطمینان پیدا نکند، میشود زکات داد. مسأله ۲۰۸۶: کسی که

میگوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده، یا معلوم نیست فقیر بوده یا نه، چنانچه از گفته □ او اطمینان پیدا نشود، بنا بر احتیاط واجب بدون تحقیق به او زکات ندهند. سؤال ۲۰۸۷: کسی که باید زکات بدهد، اگر از فقری طلبکار باشد، میتواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند. سؤال ۲۰۸۸: اگر فقری بمیرد و مال او، به اندازه □ قرضش نباشد، انسان میتواند طلبی که از او دارد، بابت زکات حساب کند، ولی اگر مال او به اندازه □ قرضش باشد و ورثه قرض او را ندهند، یا به جهت دیگری انسان نتواند طلب خود را بگیرد، بنا بر احتیاط واجب، نباید طلبی که از او دارد، بابت زکات حساب کند. سؤال ۲۰۸۹: چیزی که انسان بابت زکات به فقیر میدهد، لازم نیست به او بگوید که زکات است، بلکه اگر فقیر خجالت بکشد، مستحب است به عنوان هدیه و پیشکش بدهد، ولی باید قصد زکات نماید. سؤال ۲۰۹۰: اگر به خیال اینکه کسی فقیر است، به او زکات بدهد، بعد بفهمد فقیر نبوده، یا از روی ندانستن سؤال به کسی که میداند فقیر نیست، زکات بدهد، چنانچه چیزی که به او داده باقی باشد، باید از او بگیرد و به مستحق بدهد و اگر از بین رفته باشد، چنانچه کسی که آن چیز را گرفته میدانسته زکات است، انسان باید عوض آن را از او بگیرد و به مستحق بدهد و اگر نمیدانسته زکات است، نمیداند چیزی از او بگیرد و باید از مال خودش زکات را به مستحق بدهد. سؤال ۲۰۹۱: کسی که بدهکار است و نمیتواند بدهی خود را بدهد، اگرچه مخارج سال خود را داشته باشد، میتواند برای دادن بدهی خود، زکات بگیرد، ولی باید مالی را که قرض کرده، در گناه خرج نکرده باشد. سؤال ۲۰۹۲: اگر به بدهکاری که نمیتواند بدهی خود را بدهد زکات بپردازد، بعد بفهمد قرض را در گناه مصرف کرده، چنانچه آن بدهکار فقیر باشد، میتواند آنچه را به او داده بابت زکات حساب کند، ولی بنا بر احتیاط واجب اگر از آن گناه توبه نکرده، چیزی را که به او داده بابت زکات حساب نکند. سؤال ۲۰۹۳: کسی که بدهکار است و نمیتواند بدهی خود را بدهد، اگرچه فقیر نباشد، انسان میتواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند. سؤال ۲۰۹۴: مسافری که خرجی او تمام شده، یا سواری او از کار افتاده، چنانچه سفر او سفر گناه نباشد و نتواند با قرض کردن یا فروختن چیزی خود را به مقصد برساند، میتواند زکات بگیرد، اگرچه در وطن خود فقیر نباشد، ولی اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی، مخارج سفر خود را فراهم کند، فقط به مقداری که به آنجا برسد، میتواند زکات بگیرد. سؤال ۲۰۹۵: مسافری که در سفر درمانده شده و زکات گرفته، هنگامی که به وطنش رسید، اگر چیزی از زکات زیاد آمده باشد، بنا بر احتیاط آن را به حاکم شرع بدهد و بگوید: زکات است. شرایط مستحق زکات سؤال ۲۰۹۶: کسی که زکات میگیرد باید شیعه □ دوازده امامی باشد و اگر انسان کسی را شیعه بداند و به او زکات بدهد، بعد معلوم شود شیعه نبوده، باید دوباره زکات بدهد، مگر از سهم چهارم: (مؤلفه قلوب) داده باشد. سؤال ۲۰۹۷: اگر طفل یا دیوانه ای از شیعیان فقیر باشد، انسان میتواند، به ولی او زکات بدهد، به قصد اینکه ملک طفل یا دیوانه، شود. سؤال ۲۰۹۸: اگر به ولی طفل و دیوانه دسترسی ندارد، میتواند خودش یا توسط یک نفر امین، زکات را برای طفل یا دیوانه مصرف کند و باید هنگام مصرف زکات، نیت زکات کند. سؤال ۲۰۹۹: میتوان به فقری که گدایی میکند، زکات داد، ولی نمیشود به کسی که زکات را در گناه مصرف میکند، پرداخت. سؤال ۲۱۰۰: به کسی که آشکارا گناه کبیره، بجا میآورد، بنا بر احتیاط واجب زکات ندهد. سؤال ۲۱۰۱: به کسی که بدهکار است و نمیتواند بدهی خود را بدهد، میشود زکات داد، اگرچه مخارج او، بر انسان واجب باشد. سؤال ۲۱۰۲: انسان نمیتواند به کسانی که خرجشان بر او واجب است مانند اولاد، زکات بدهد، ولی اگر مخارج آنان را ندهد، دیگران میتوانند به آنها زکات بدهند. سؤال ۲۱۰۳: اگر انسان، به پسرش زکات بدهد که خرج زن، نوکر و کنیز خود نماید، اشکال ندارد. سؤال ۲۱۰۴: اگر پسر به کتابهای علمی دینی، احتیاج داشته باشد، پدر میتواند برای خریدن آن، به او زکات بدهد. سؤال ۲۱۰۵: پدر میتواند به پسرش زکات بدهد تا برای خود زن بگیرد، پسر نیز میتواند برای آنکه پدرش زن بگیرد زکات خود را به او بدهد. سؤال ۲۱۰۶: به زنی که شوهرش مخارج او را میدهد، یا خرجی نمیدهد ولی میتوان او را به دادن خرجی مجبور نمود، نمیشود زکات داد. سؤال ۲۱۰۷: زنی که صیغه شده (ازدواج موقت) اگر فقیر باشد، شوهرش و دیگران میتوانند به او زکات بدهند، ولی اگر شوهرش در ضمن عقد، شرط کند مخارج او را

بدهد، یا به جهت دیگری، دادن مخارجش بر او واجب باشد، در صورتی که بتواند مخارج آن زن را بدهد، نمیشود به آن زن زکات داد. مسأله ۲۱۰۸: زن میتواند به شوهر فقیر خود زکات بدهد، اگرچه شوهر، زکات را صرف مخارج خود آن زن نماید.

مسأله ۲۱۰۹: سید نمیتواند از غیر سید زکات بگیرد، ولی اگر خمس و سایر وجوهات، مخارج او را کفایت نکند و از گرفتن زکات ناچار باشد، میتواند از غیر سید زکات بگیرد. مسأله ۲۱۱۰: به کسی که معلوم نیست سید است یا نه، میتوان زکات داد. نیت زکات مسأله ۲۱۱۱: انسان باید زکات را به قصد قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند بدهد و بنا بر احتیاط، باید در نیت معین کند آنچه را میدهد زکات مال است، یا زکات فطره، ولی اگر مثلاً زکات گندم و جو بر او واجب باشد، لازم نیست معین کند، چیزی را که میدهد زکات گندم است یا زکات جو. مسأله ۲۱۱۲: کسی که زکات چند مال بر او واجب شده، اگر مقداری زکات بدهد و نیت هیچکدام نکند، چنانچه چیزی را که داده هم جنس یکی از آنها باشد، زکات همان جنس حساب میشود و اگر هم جنس هیچکدام نباشد، بر همه آنها قسمت میشود، پس کسی که زکات چهل گوسفند و زکات پانزده مثقال طلا بر او واجب است، اگر مثلاً یک گوسفند از بابت زکات بدهد و نیت هیچکدام نکند، زکات گوسفند حساب میشود، ولی اگر مقداری نقره بدهد، بر زکاتی که برای گوسفند و طلا بدهکار است، تقسیم میشود. مسأله ۲۱۱۳: اگر کسی را وکیل کند که زکات مال او را بدهد، هنگامی که زکات را به آن وکیل میدهد، بنا بر احتیاط واجب، باید نیت کند آنچه را وکیل او به فقیر خواهد داد زکات باشد، وکیل نیز وقتی زکات را به فقیر میدهد، باید از طرف مالک نیت زکات نماید. مسأله ۲۱۱۴: اگر مالک یا وکیل او، بدون قصد قربت، زکات را به فقیر بدهد و پیش از آنکه آن مال از بین برود، خود مالک نیت زکات کند، زکات حساب میشود. مسائل متفرقه زکات مسأله ۲۱۱۵: بنا بر احتیاط، هنگامی که گندم و جو را از کاه جدا میکنند و موقع خشک شدن خرما و انگور، انسان باید زکات را به فقیر بدهد یا از مال خود جدا کند. و زکات طلا، نقره، گاو، گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن ماه یازدهم، باید به فقیر بدهد یا از مال خود جدا نماید، ولی اگر منتظر فقیر معینی باشد، یا بخواهد به فقری بدهد که از جهتی برتری دارد، میتواند دادن زکات را تاخیر بیندازد. مسأله ۲۱۱۶: بعد از جدا کردن زکات، لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد، ولی اگر به کسی که میشود زکات داد، دسترسی دارد، بنا بر احتیاط مستحب دادن زکات را تاخیر نیندازد. مسأله ۲۱۱۷: کسی که میتواند زکات را به مستحق برساند، اگر ندهد و به سبب کوتاهی او از بین برود، باید عوض آن را بپردازد. مسأله ۲۱۱۸: کسی که میتواند زکات را به مستحق برساند، اگر زکات را ندهد و بدون آنکه در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود، چنانچه دادن زکات را به قدری تاخیر انداخته که نمیگویند فوراً داده است، باید عوض آن را بدهد و اگر به این مقدار تاخیر نینداخته، مثلاً دو سه ساعت تاخیر انداخته و در همان دو سه ساعت تلف شده، در صورتی که مستحق حاضر نبوده، چیزی بر او واجب نیست و اگر مستحق حاضر بوده، بنا بر احتیاط واجب باید عوض آن را بدهد. مسأله ۲۱۱۹: اگر زکات را از خود مال کنار بگذارد، میتواند در بقیه آن تصرف کند و اگر از مال دیگرش کنار بگذارد، میتواند در تمام مال تصرف نماید. مسأله ۲۱۲۰: انسان نمیتواند زکاتی را که کنار گذاشته برای خود بردارد و چیز دیگری، به جای آن بگذارد. مسأله ۲۱۲۱: اگر از زکاتی که کنار گذاشته، منفعتی ببرد، مثلاً گوسفندی که برای زکات گذاشته بره بیاورد، مال فقیر است. مسأله ۲۱۲۲: اگر هنگامی که زکات را کنار میگذارد مستحق حاضر باشد، بهتر است زکات را به او بدهد، مگر کسی را در نظر داشته باشد که دادن زکات به او از جهتی بهتر باشد. مسأله ۲۱۲۳: اگر بدون اجازه حاکم شرع، با مالی که برای زکات کنار گذاشته، تجارت کند و ضرر نماید، نباید چیزی از زکات کم کند، ولی اگر منفعت کند، بنا بر احتیاط واجب باید آن را به مستحق بدهد. مسأله ۲۱۲۴: اگر پیش از آنکه زکات بر او واجب شود، چیزی بابت زکات به فقیر بدهد، زکات حساب نمیشود و هنگامی که زکات بر او واجب شد، اگر چیزی که به فقیر داده از بین نرفته باشد و آن فقیر نیز بر فقر خود باقی باشد، میتواند چیزی را که به او داده بابت زکات حساب کند. مسأله ۲۱۲۵: فقری که میداند زکات بر انسان واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات بگیرد و پیش او تلف شود ضامن است، پس موقعی که زکات بر انسان واجب میشود، اگر آن فقیر بر فقر خود باقی باشد،

میتواند چیزی را که به او داده بابت زکات حساب کند. مسأله ۲۱۲۶: فقیری که نمیداند زکات بر انسان واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات بگیرد و پیش او تلف شود، ضامن نیست و انسان نمیتواند آن را بابت زکات حساب کند. مسأله ۲۱۲۷: مستحب است در دادن زکات، خویشان خود را بر دیگران، اهل علم و کمال را بر غیر آنان و کسانی را که اهل سؤال و گدایی نیستند، بر اهل سؤال مقدم بدارد. و زکات گاو، گوسفند و شتر را به فقیرهای آبرومند بدهد، ولی اگر دادن زکات به فقیری از جهت دیگری بهتر باشد، مستحب است زکات را به او بدهد. مسأله ۲۱۲۸: بهتر است زکات را آشکارا و صدقه‌ای مستحب را به طور مخفی بدهد. مسأله ۲۱۲۹: اگر در شهر کسی که میخواهد زکات بدهد، مستحق نداشته باشد بعد مستحق پیدا کند، باید زکات را به شهر دیگری ببرد و به مصرف زکات برساند و میتواند مخارج بردن آن را از زکات بردارد و اگر زکات بدون کوتاهی تلف شود ضامن نیست. مسأله ۲۱۳۰: اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، میتواند زکات را به شهر دیگری ببرد، ولی مخارج بردن آن را باید از خودش بدهد و اگر زکات تلف شود ضامن است، مگر با اجازه‌ای حاکم شرع برده باشد. مسأله ۲۱۳۱: اجرت وزن کردن و پیمانه نمودن گندم، جو، کشمش و خرمایی که برای زکات میدهد با خود اوست. مسأله ۲۱۳۲: کسی که دو مثقال و پانزده نخود نقره یا بیشتر، بابت زکات بدهکار است، بنا بر احتیاط، باید کمتر از دو مثقال و پانزده نخود نقره به یک فقیر ندهد و نیز اگر غیر از نقره، چیز دیگری مانند گندم و جو بدهکار باشد و قیمت آن به دو مثقال و پانزده نخود نقره برسد، بنا بر احتیاط باید به یک فقیر، کمتر از آن ندهد. مسأله ۲۱۳۳: مکروه است انسان، از مستحق درخواست کند زکاتی را که از او گرفته به او بفروشد، ولی اگر مستحق بخواهد، چیزی را که گرفته بفروشد بعد از قیمت کردن آن، کسی که زکات را به او داده میتواند آن را بخرد. مسأله ۲۱۳۴: اگر شک کند زکاتی که بر او واجب بوده داده یا نه، باید زکات بدهد، هرچند شک او برای زکات سالهای پیش باشد. مسأله ۲۱۳۵: فقیر نمیتواند، زکات را به کمتر از مقدار آن، صلح کند یا چیزی را گرانتر از قیمت آن، بابت زکات قبول نماید، یا زکات را از مالک بگیرد و به او ببخشد، ولی کسی که زکات زیادی بدهکار است و فقیر شده و نمیتواند زکات را بدهد، چنانچه بخواهد توبه کند، حاکم شرع میتواند زکات را از او بگیرد و به او ببخشد و بهتر است زکات را از او بگیرد و به او قرض بدهد و او را وکیل نماید، هر مقدار که متمکن شد، تدریجاً به فقرا بدهد. مسأله ۲۱۳۶: انسان میتواند از زکات (از سهم سبیل الله) قرآن، یا کتاب دینی و یا کتاب دعا بخرد و وقف نماید، اگرچه بر اولاد خود و بر کسانی وقف کند که خرج آنان بر او واجب است و همچنین میتواند تولیت وقف را برای خود و اولاد خود قرار دهد. مسأله ۲۱۳۷: انسان نمیتواند از زکات، ملک بخرد و بر اولاد خود یا بر کسانی که مخارج آنان بر او واجب است، وقف نماید که در آمد آن را برای مخارج خود مصرف کند. مسأله ۲۱۳۸: فقیر میتواند برای رفتن به حج، زیارت و مانند آن زکات بگیرد، ولی اگر به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، بنا بر احتیاط برای زیارت و مانند آن زکات نگیرد. مسأله ۲۱۳۹: اگر مالک، فقیری را وکیل کند که زکات مال او را بدهد، چنانچه آن فقیر احتمال دهد قصد مالک این بوده که خود آن فقیر، از زکات بر ندارد، نمیتواند چیزی از آن برای خودش بردارد. و اگر یقین داشته باشد قصد مالک این نبوده، برای خودش نیز میتواند بردارد. مسأله ۲۱۴۰: اگر فقیر شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره را بابت زکات بگیرد، چنانچه شرطهایی که برای واجب شدن زکات گفته شد، در آن نیز جمع شود، باید زکات آن را بدهد. مسأله ۲۱۴۱: اگر دو نفر، در مالی که زکات آن واجب شده باهم شریک باشند و یکی از آنان، زکات قسمت خود را بدهد و بعد مال را تقسیم کنند، چنانچه بداند شریکش، زکات سهم خود را نداده، تصرف او در سهم خودش، اشکال ندارد. مسأله ۲۱۴۲: کسی که خمس یا زکات بدهکار است و کفاره، نذر و مانند آن نیز، بر او واجب است و قرض نیز دارد، چنانچه نتواند همه آنها را بدهد، اگر مالی که خمس یا زکات آن واجب شده، از بین نرفته باشد، باید خمس و زکات را بدهد. و اگر از بین رفته باشد، میتواند خمس یا زکات را بدهد و یا کفاره، نذر و قرض خود را ادا نماید. مسأله ۲۱۴۳: کسی که خمس یا زکات بدهکار است و نذر و مانند آن نیز، بر او واجب است و قرض نیز دارد، اگر بمیرد و مال او برای همه آنها کافی نباشد، چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده، از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهند و

بقیه مال او را، به چیزهای دیگری که بر او واجب است قسمت کنند و اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین رفته باشد، باید مال او را به خمس، زکات، قرض، نذر و مانند آن قسمت نمایند، مثلاً اگر چهل تومان خمس، بر او واجب است و بیست تومان به کسی بدهکار می‌باشد و همه مال او سی تومان است، باید بیست تومان بابت خمس و ده تومان بابت قرض او بدهند.

مسئله ۲۱۴۴: کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می‌تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم، واجب یا مستحب باشد، می‌توان به او زکات داد. و اگر تحصیل آن علم، واجب یا مستحب نباشد، زکات دادن به او، اشکال دارد.

احکام زکات فطره مسئله ۲۱۴۵: کسی که موقع غروب شب عید فطر، بالغ، عاقل و هشیار است، فقیر و برده دیگری نیست، باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفری یک صاع، که تقریباً سه کیلوست، گندم، یا جو، یا خرما، یا کشمش، یا برنج یا ذرت و یا مانند آن را به مستحق بدهد و اگر پول یکی از اینها را بدهد کافی است. مسئله ۲۱۴۶: کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسی نیز ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست. مسئله ۲۱۴۷: انسان باید فطره کسانی که در غروب شب عید فطر، نان خور او حساب میشوند بدهد، کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، دادن خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود او باشند یا در شهری دیگر. مسئله ۲۱۴۸: اگر کسی که نان خور اوست و در شهر دیگری است وکیل کند که از مال او فطره خود را بدهد، چنانچه اطمینان داشته باشد فطره را می‌دهد، لازم نیست خودش فطره او را بدهد. مسئله ۲۱۴۹: فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحبخانه وارد شده و در موقع هلال شوال آنجا بوده، بر صاحب خانه واجب است. مسئله ۲۱۵۰: فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر، بدون رضایت صاحبخانه وارد میشود و مدتی نزد او میماند، بنا بر احتیاط، واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان مجبور شده است خرجی او را بدهد. مسئله ۲۱۵۱: فطره مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد میشود، بر صاحبخانه واجب نیست، اگرچه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او نیز افطار کند. مسئله ۲۱۵۲: اگر کسی هنگام غروب شب عید فطر، دیوانه یا بیهوش باشد، زکات فطره، بر او واجب نیست. مسئله ۲۱۵۳: اگر پیش از غروب یا مقارن با غروب بچه بالغ شود، یا دیوانه عاقل گردد و یا فقیر غنی شود، در صورتی که تمام شرایط واجب شدن فطره را دارا باشد، باید زکات فطره بدهد. مسئله ۲۱۵۴: کسی که موقع غروب شب عید فطر، زکات فطره، بر او واجب نیست، اگر تا پیش از ظهر روز عید، شرطهای واجب شدن فطره در او پیدا شود، مستحب است زکات فطره بدهد. مسئله ۲۱۵۵: کافری که بعد از غروب شب عید فطر، مسلمان شده فطره بر او واجب نیست. ولی مسلمانی که شیعه نبوده، اگر بعد از دیدن ماه شیعه شود، باید زکات فطره بدهد. مسئله ۲۱۵۶: کسی که فقط به اندازه یک صاع، که تقریباً سه کیلوست، گندم و مانند آن دارد، مستحب است، زکات فطره بدهد. و چنانچه عیالاتی داشته باشد و بخواهد فطره آنها را نیز بدهد می‌تواند به قصد فطره، آن یک صاع را به یکی از عیالاتش بدهد و او نیز به همین قصد به دیگری بدهد و همچنین تا به نفر آخر برسد و بهتر است نفر آخر، چیزی را که میگیرد به کسی بدهد که از خودشان نباشد و اگر یکی از آنها صغیر باشد، ولی او به جای او میگیرد. و بنا بر احتیاط مستحب چیزی را که برای صغیر گرفته، به کسی ندهد. مسئله ۲۱۵۷: اگر بعد از غروب شب عید فطر، بچه دار شود و یا کسی نان خور او حساب شود، واجب نیست فطره او را بدهد، اگرچه مستحب است فطره کسانی که بعد از غروب، تا پیش از ظهر روز عید، نان خور او حساب میشوند بدهد. مسئله ۲۱۵۸: اگر انسان نان خور کسی باشد و پیش از غروب یا مقارن با غروب، نان خور دیگری شود، فطره او، بر کسی که نان خور او شده واجب است، مثلاً اگر دختر پیش از غروب به خانه شوهر رود، شوهرش باید فطره او را بدهد. مسئله ۲۱۵۹: کسی که دیگری باید فطره او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد. مسئله ۲۱۶۰: اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد، بر خود انسان، واجب نمیشود. مسئله ۲۱۶۱: اگر کسی که فطره او بر دیگری واجب است، خودش فطره را بدهد از کسی که فطره بر او واجب شده ساقط میشود، مانند میهمان اگر خودش فطره را بدهد، بر صاحب خانه لازم نیست فطره او را بدهد. مسئله ۲۱۶۲: زنی که شوهرش مخارج او را

نمیدهد، چنانچه نان خور دیگری باشد، فطره اش، بر آن شخص واجب است و اگر نان خور دیگری نیست، در صورتی که فقیر نباشد، باید فطره خود را بدهد. مسأله ۲۱۶۳: کسی که سید نیست، بنا بر احتیاط، نمیتواند به سید فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان خور او باشد، نمیتواند فطره او را به سید دیگری بدهد. مسأله ۲۱۶۴: فطره طفلی که از مادر یا دایه شیر میخورد، بر کسی است که مخارج مادر یا دایه را میدهد، ولی اگر مادر یا دایه مخارج خود را از مال طفل بر میدارد، فطره طفل بر کسی واجب نیست. مسأله ۲۱۶۵: انسان اگرچه مخارج عیالاتش را از مال حرام بدهد، باید فطره آنان را از مال حلال بدهد. مسأله ۲۱۶۶: اگر انسان کسی را اجیر نماید و شرط کند مخارج او را بدهد، باید فطره او را نیز بدهد، ولی چنانچه شرط کند مقدار مخارج او را بدهد، مثلاً پولی برای مخارجش بدهد، واجب نیست فطره او را بدهد. مسأله ۲۱۶۷: اگر کسی بعد از غروب شب عید فطر بمیرد، باید فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند، ولی اگر پیش از غروب بمیرد، واجب نیست فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند. مصرف زکات فطره مسأله ۲۱۶۸: اگر زکات فطره را در یکی از هشت موردی که سابقاً برای زکات مال، گفته شد مصرف نمایند کافی است، ولی بنا بر احتیاط مستحب آن را، فقط به فقرای شیعه بدهند. مسأله ۲۱۶۹: اگر طفل شیعه ای فقیر باشد، انسان میتواند زکات فطره را برای او مصرف کند، یا به ولی طفل بدهد و ملک طفل نماید. مسأله ۲۱۷۰: فقری که زکات فطره به او میدهند، لازم نیست عادل باشد، ولی بنا بر احتیاط واجب به شرابخوار و کسی که آشکارا گناه میکند، زکات فطره ندهند. مسأله ۲۱۷۱: به کسی که فطره را در معصیت مصرف میکند، نباید فطره بدهند. مسأله ۲۱۷۲: بنا بر احتیاط واجب به یک فقیر، کمتر از یک صاع، که تقریباً سه کیلوست، زکات فطره ندهند، ولی اگر بیشتر بدهند اشکال ندارد. مسأله ۲۱۷۳: اگر از جنسی که قیمتش دوبرابر قیمت معمولی میباشد، مثلاً از گندمی که قیمت آن دو برابر قیمت گندم معمولی است، نصف صاع بدهد، کافی نیست، ولی اگر آن را به قصد قیمت زکات فطره بدهد، خلاف احتیاط است. مسأله ۲۱۷۴: انسان نمیتواند نصف صاع از یک جنس، مثلاً گندم و نصف دیگر را از جنس دیگر، مثلاً جو بدهد، ولی اگر آن را به قصد قیمت زکات فطره بدهد، خلاف احتیاط است. مسأله ۲۱۷۵: مستحب است در دادن زکات فطره، خویشان فقیر، سپس همسایگان فقیر، سپس اهل علم فقیر را، بر دیگران، مقدم بدارد، ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند، مستحب است آنها را مقدم بدارد. مسأله ۲۱۷۶: اگر انسان به خیال اینکه شخصی فقیر است، به او زکات فطره بدهد و بعد بفهمد فقیر نبوده، چنانچه مالی که به او داده از بین نرفته باشد، باید پس بگیرد و به مستحق بدهد و اگر نتواند بگیرد، باید از مال خود، فطره بدهد و اگر از بین رفته باشد، در صورتی که گیرنده زکات فطره، میدانسته آنچه گرفته فطره است، باید عوض آن را بدهد و اگر نمیدانسته، دادن عوض بر او واجب نیست و انسان باید دوباره زکات فطره را بدهد. مسأله ۲۱۷۷: اگر شخصی بگوید فقیرم، نمیشود به او زکات فطره داد، مگر از گفته او اطمینان پیدا شود، یا انسان بداند فقیر بوده است. مسائل متفرقه زکات فطره مسأله ۲۱۷۸: انسان باید زکات فطره را به قصد قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند بدهد و هنگام پرداخت آن، نیت زکات فطره نماید. مسأله ۲۱۷۹: اگر پیش از ماه رمضان زکات فطره را بدهد، صحیح نیست، و بنا بر احتیاط در ماه رمضان نیز فطره را ندهد. ولی اگر پیش از ماه رمضان یا در ماه رمضان، به فقیر قرض بدهد و بعد از آنکه زکات فطره بر او واجب شد، طلب خود را بابت فطره، حساب کند، اشکال ندارد. مسأله ۲۱۸۰: گندم یا چیز دیگری که برای زکات فطره میدهد، باید با جنس دیگر یا خاک مخلوط نباشد و چنانچه مخلوط باشد، اگر خالص آن به یک صاع که تقریباً سه کیلوست برسد، یا آنچه مخلوط شده، به قدری کم باشد که قابل اعتنا نباشد، اشکال ندارد. مسأله ۲۱۸۱: اگر زکات فطره را از چیز معیوب بدهد، کافی نیست. مسأله ۲۱۸۲: کسی که زکات فطره را میدهد، لازم نیست همه را از یک جنس بدهد و اگر مثلاً فطره بعضی را گندم و فطره دیگری را جو بدهد، کافیهست. مسأله ۲۱۸۳: کسی که نماز عید فطر میخواند، بنا بر احتیاط مستحب، زکات فطره را پیش از نماز عید بدهد، ولی اگر نماز عید نمیخواند میتواند دادن فطره را، تا ظهر تاخیر بیندازد. مسأله ۲۱۸۴: اگر به نیت زکات فطره، مقداری از مال خود را کنار بگذارد و تا ظهر روز عید، به مستحق ندهد، بنا بر احتیاط واجب هر وقت آن را میدهد نیت زکات فطره

نماید. مسأله ۲۱۸۵: اگر هنگامی که دادن زکات فطره واجب است، فطره را ندهد و کنار هم نگذارد، بعد باید بدون نیت ادا و قضا فطره را بدهد. مسأله ۲۱۸۶: اگر زکات فطره را کنار بگذارد، نمیتواند آن را بردارد و مال دیگری را، برای فطره بگذارد. مسأله ۲۱۸۷: اگر انسان مالی داشته باشد که قیمتش، از زکات فطره بیشتر است، چنانچه فطره را ندهد و نیت کند که مقداری از آن مال برای فطره باشد، اشکال ندارد. مسأله ۲۱۸۸: اگر مالی که برای زکات فطره کنار گذاشته از بین برود، چنانچه به فقیر دسترسی داشته و دادن فطره را تاخیر انداخته، باید عوض آن را بدهد و اگر به فقیر دسترسی نداشته، ضامن نیست. مسأله ۲۱۸۹: اگر در محل خودش مستحق پیدا شود بنا بر احتیاط مستحب، زکات فطره را به جای دیگر نبرد و اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

احکام خمس

مسأله ۱۹۰۶: در هفت چیز خمس واجب است، اول: منفعت کسب. دوم: معدن. سوم: گنج. چهارم: مال حلال مخلوط با حرام. پنجم: جواهری که به وسیله غواصی، یعنی فرو رفتن در دریا به دست می‌آید. ششم: غنیمت جنگ. هفتم: زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. ۱ - منفعت کسب مسأله ۱۹۰۷: هرگاه انسان از تجارت، یا صنعت و یا کسبه‌های دیگر، مالی بدست آورد، اگرچه مثلاً نماز و روزه میتی را بجا آورد و از اجرت آن، مالی تهیّه کند، چنانچه از مخارج سال خود او و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس، یعنی یک پنجم آن را به دستوری که گفته میشود بدهد. مسأله ۱۹۰۸: اگر از غیر کسب، مالی به دست آورد، مثلاً چیزی به او ببخشند و از مخارج سالش زیاد بیاید، بنا بر اقوی خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۰۹: مهری که زن می‌گیرد خمس ندارد. و همچنین ارثی که به انسان میرسد، ولی اگر مثلاً با کسی خویشاوندی دوری داشته باشد و نداند چنین خویشی دارد، بنا بر احتیاط واجب، خمس ارثی را که از او میرسد بدهد. مسأله ۱۹۱۰: اگر مالی به سبب ارث به او برسد و بداند کسی که این مال از او به ارث رسیده خمس آن را نداده، باید خمس آن را بدهد و نیز اگر در خود آن مال، خمس نباشد، ولی انسان بداند کسی که آن مال از او به ارث رسیده، خمس بدکار بوده، باید خمس را از مال او بدهد. مسأله ۱۹۱۱: اگر به سبب قناعت کردن، چیزی از مخارج سال، زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۱۲: کسی که دیگری مخارج او را میدهد، باید خمس تمام مالی را که به دست می‌آورد بدهد. مسأله ۱۹۱۳: اگر ملکی را بر افراد معینی، مثلاً بر فرزندان خود وقف نماید، چنانچه در آن ملک، زراعت و درختکاری کنند و از آن، چیزی به دست آورند و از مخارج سال آنان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهند، بلکه اگر طور دیگری نیز از ملک نفع ببرند، مثلاً اجاره آن را بگیرند، باید خمس مقداری را که از مخارج سالشان زیاد می‌آید بدهند. مسأله ۱۹۱۴: مالی که فقیر گرفته و از مخارج سالش زیاد آمده، اگر از بابت صدقه مستحب بوده، بنا بر احتیاط واجب خمس آن را بدهد و اگر از بابت خمس و زکات بوده، احتیاطاً خمس آن را بدهد. و اگر از مالی که به او داده اند منفعتی ببرد، مثلاً از درختی که بابت خمس به او داده اند میوه ای به دست آورد و از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۱۵: اگر با عین پول خمس نداده جنسی بخرد، یعنی به فروشنده بگوید: این جنس را با این پول می‌خرم، چنانچه حاکم شرع، معامله یک پنجم آن را اجازه بدهد، معامله آن مقدار صحیح است و انسان باید یک پنجم جنسی را که خریده به حاکم شرع، بدهد و اگر اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است، پس اگر پولی که فروشنده گرفته از بین نرفته، حاکم شرع خمس همان پول را میگیرد و اگر از بین رفته، عوض خمس را از فروشنده یا خریدار مطالبه میکند. مسأله ۱۹۱۶: اگر جنسی را بخرد و بعد از معامله، قیمت آن را از عین پول خمس نداده بدهد، معامله ای که کرده صحیح است، ولی به مقدار یک پنجم از پول به فروشنده بدهکار میباشد و پولی را که به فروشنده داده اگر از بین نرفته، حاکم شرع، یک پنجم همان را میگیرد و اگر از بین رفته، عوض آن را از خریدار یا فروشنده مطالبه میکند. مسأله ۱۹۱۷: اگر مالی را که خمس آن داده نشده بخرد، چنانچه حاکم شرع، معامله یک پنجم آن را اجازه ندهد، معامله آن

مقدار باطل است و حاکم شرع میتواند یک پنجم آن مال را بگیرد و اگر اجازه بدهد معامله صحیح است و خریدار باید مقدار یک پنجم پول آن را به حاکم شرع، بدهد و اگر به فروشنده داده، میتواند از او پس بگیرد. مسأله ۱۹۱۸: اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند، یک پنجم آن چیز، مال او نمیشود. مسأله ۱۹۱۹: اگر از کافر یا کسی که به خمس عقیده ندارد، مالی به دست انسان آید، واجب نیست خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۲۰: تاجر، کاسب، صنعتگر و مانند اینها، از وقتی که شروع به کاسبی میکنند، یک سال که بگذرد، باید خمس آنچه که از خرج سالشان زیاد میآید بدهند و کسی که شغلش کاسبی نیست، اگر اتفاقاً منفعتی ببرد، بعد از گذشت یک سال از موقعی که فایده برده، باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد. مسأله ۱۹۲۱: انسان میتواند در بین سال، هر وقت منفعتی به دستش آید، خمس آن را بدهد و جایز است دادن خمس را، تا آخر سال، تاخیر بیندازد. مسأله ۱۹۲۲: کسی که مانند تاجر و کاسب، باید برای دادن خمس، سال قرار دهد، اگر منفعتی به دست آورد و در بین سال بمیرد، باید مخارج تا هنگام مرگش را، از آن منفعت کسر کنند و خمس باقی مانده را بدهند. مسأله ۱۹۲۳: اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده، بالا رود و آن را نفروشد و در بین سال، قیمتش پایین آید، خمس مقداری که بالا رفته، بر او واجب نیست. مسأله ۱۹۲۴: اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده، بالا رود و به امید اینکه قیمت آن بالاتر رود، تا بعد از تمام شدن سال، آن را نفروشد و قیمتش پایین آید، خمس مقداری که بالا رفته، بر او واجب نیست. مسأله ۱۹۲۵: اگر غیر از مال التجاره، مالی داشته باشد که خمسش را داده، یا خمس ندارد، چنانچه قیمتش بالا-رود و آن را بفروشد، بنا بر احتیاط خمس مقداری که بر قیمتش اضافه شده است، بدهد و چنانچه مثلاً-درختی که خریده میوه دهد، یا گوسفند چاق شود، در صورتی که مقصود او از نگهداری آن کاسبی بوده، باید خمس آنچه زیاد شده بدهد و اگر مقصودش کاسبی نبوده بلکه گذراندن زندگی بوده، باید خمس مقداری که از مخارج سالیانه، زیاد میآید بدهد. مسأله ۱۹۲۶: اگر باغی احداث کند برای آنکه بعد از بالا رفتن قیمتش بفروشد، باید خمس میوه و رشد درختها را بدهد و اگر باغ را نیز فروخت، باید خمس زیادی قیمت آن را بدهد، ولی اگر قصد دارد میوه آن را بفروشد باید خمس میوه را بدهد و بنا بر احتیاط خمس باغ را نیز بدهد. مسأله ۱۹۲۷: اگر درخت بید، چنار و مانند آن را بکار، باید خمس آن را بدهد، ولی اگر مثلاً از شاخه هایی که معمولاً هر سال میبرند، برای گذراندن زندگی استفاده ای ببرد و به تنهایی یا با منفعتهای دیگر کسبش، از مخارج سال او زیاد بیاید، در آخر هر سال باید خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۲۸: کسی که چند رشته کسب دارد، مثلاً-اجاره ملک میگیرد، خرید و فروش و زراعت نیز میکند، باید خمس آنچه در آخر سال از مخارج او زیاد میآید بدهد. و چنانچه از یک رشته، نفع ببرد و از رشته دیگر ضرر کند، مقدار ضرر را از نفع بیرون کند و خمس زیادی را بدهد. مسأله ۱۹۲۹: خرجهایی را که انسان برای به دست آوردن فایده میکند، مانند دلالی و حمالی، میتواند آن را جزو مخارج سالیانه، حساب نماید. مسأله ۱۹۳۰: آنچه از منافع کسب، در بین سال برای خوراک، پوشاک، اثاثیه، خرید منزل، عروسی، جهیزیه دختر، زیارت و مانند آن مصرف میکند، در صورتی که بیشتر از شان و لیاقت او نباشد و زیاده روی نیز نکرده باشد، خمس ندارد. مسأله ۱۹۳۱: مالی که انسان برای نذر و کفار مصرف میکند، جزو مخارج سالیانه است و نیز مالی که به کسی میبخشد یا جایزه میدهد، در صورتی که بیشتر از شان او نباشد، از مخارج سالیانه حساب میشود. مسأله ۱۹۳۲: اگر انسان در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه دختر را تهیه میکنند، چنانچه در بین سال، از منافع آن سال جهیزیه بخرد، خمس ندارد. و اگر از منافع آن سال، در سال بعد جهیزیه تهیه نماید، باید بنا بر احتیاط خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۳۳: مالی که خرج سفر حج و زیارتهای دیگر میکند، از مخارج همان سالی حساب میشود که در آن سال، شروع به مسافرت کرده، اگرچه سفر او تا مقداری از سال بعد، طول بکشد. مسأله ۱۹۳۴: کسی که از کسب و تجارت فایده ای برده، اگر مال دیگری نیز دارد که خمس آن واجب نیست، میتواند مخارج سال خود را فقط از فایده کسب حساب کند. مسأله ۱۹۳۵: اگر آذوقه ای که برای مصرف سالش خریده، در آخر سال زیاد بیاید، بنا بر احتیاط باید خمس آن را بدهد و چنانچه بخواهد قیمت آن را پردازد، در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده

زیادتر شده باشد، باید قیمت آخر سال را حساب کند. مسأله ۱۹۳۶: اگر پیش از دادن خمس، از منفعت کسب، اثاثیه ای برای منزل بخرد و احتیاجش از آن برطرف شود، خمس دارد و همچنین است زیورآلات زنانه، اگر وقت زینت کردن زن با آن گذشته باشد و در شان او نباشد. مسأله ۱۹۳۷: اگر در یک سال منفعتی نبرد، نمیتواند مخارج آن سال را از منفعتی که در سال بعد میبرد، کسر نماید. مسأله ۱۹۳۸: اگر در اول سال، منفعتی نبرد و از سرمایه خرج کند و پیش از تمام شدن سال، منفعتی به دستش آید، میتواند مقداری که از سرمایه برداشته از منافع، کسر کند. مسأله ۱۹۳۹: اگر مقداری از سرمایه، از بین برود و از باقی مانده آن منافع ببرد که از خرج سالش زیاد بیاید، میتواند مقداری که از سرمایه کم شده، از منافع بر دارد. مسأله ۱۹۴۰: اگر غیر از سرمایه، چیز دیگری از اموال او از بین برود، نمیتواند آن را از منفعتی که به دستش میآید کسر کند، ولی اگر در همان سال، به آن احتیاج داشته باشد، میتواند در بین سال از منافع کسب، آن را تهیه نماید. مسأله ۱۹۴۱: اگر در اول سال، برای مخارج خود قرض کند و پیش از تمام شدن سال، منفعتی ببرد، میتواند مقدار قرض خود را از آن منفعت، کسر نماید. مسأله ۱۹۴۲: در تمام سال، منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض کند، میتواند از منافع سالهای بعد، قرض خود را ادا نماید، ولی بنا بر احتیاط خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۴۳: اگر برای زیاد کردن مال، یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارد قرض کند، نمیتواند از منافع کسب، آن قرض را بدهد، ولی اگر مالی که قرض کرده و چیزی که از قرض خریده، از بین برود و ناچار شود قرض خود را بدهد، میتواند از منافع کسب، قرض را ادا نماید. مسأله ۱۹۴۴: انسان میتواند خمس هرچیز را، از همان چیز بدهد یا به مقدار قیمت خمس، پول بدهد. مسأله ۱۹۴۵: کسی که قصد دارد خمس بدهد، اگر خمس را به گردن خود بگیرد، با دست گردان میتواند در آن تصرف کند. مسأله ۱۹۴۶: کسی که خمس بدهکار است، نمیتواند آن را به گردن بگیرد، یعنی خود را بدهکار اهل خمس بداند و در تمام مال تصرف کند و چنانچه تصرف کند و آن مال تلف شود، باید خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۴۷: کسی که خمس بدهکار است، اگر با حاکم شرع، مصالحه کند، میتواند در تمام مال، تصرف نماید و بعد از مصالحه، منافع که از آن به دست میآید، مال خود او است. مسأله ۱۹۴۸: کسی که با دیگری شریک است، اگر خمس منافع خود را بدهد و شریک او ندهد و در سال بعد، از مالی که خمسش را نداده، برای سرمایه شرکت بگذارد، شخصی که خمس داده، میتواند در آن تصرف کند. مسأله ۱۹۴۹: اگر بچه صغیر، سرمایه ای داشته باشد و از آن منافع به دست آید، بنا بر احتیاط هنگامی که بالغ شد، باید خمس آن را بدهد، یا ولی او خمس را بپردازد. مسأله ۱۹۵۰: انسان نمیتواند، در مالی که یقین دارد، خمسش را نداده اند تصرف کند، ولی در مالی که شک دارد خمس آن را داده اند یا نه، میتواند تصرف نماید. مسأله ۱۹۵۱: کسی که از اول تکلیف خمس نداده، اگر ملکی بخرد و قیمت آن بالا رود، باید خمس مقداری که آن ملک ارزش دارد بدهد. مسأله ۱۹۵۲: کسی که از اول تکلیف خمس نداده، اگر از منافع کسب، چیزی که به آن احتیاج ندارد، خریده و یک سال از خرید آن گذشته، باید خمس آن را بدهد. و چنانچه اثاث خانه و چیزهای دیگر که به آن احتیاج دارد، مطابق شان خود خریده، چنانچه بداند در بین سالی که در آن سال فایده برده آنها را خریده، لازم نیست خمس آن را بدهد. و اگر نداند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال، بنا بر احتیاط واجب، با حاکم شرع مصالحه کند. ۲- معدن مسأله ۱۹۵۳: اگر از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، زغال سنگ، فیروزه، عقیق، زاج، نمک و معدنهای دیگر، چیزی به دست آورد، در صورتی که به مقدار نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۵۴: نصاب معدن پانزده مثقال معمولی طلا یا یکصد و پنج مثقال معمولی نقره است، یعنی اگر قیمت چیزی که از معدن بیرون آورده، بعد از کم کردن مخارج آن به پانزده مثقال طلا یا یکصد و پنج مثقال نقره برسد، باید خمس آن را بدهد و بنا بر احتیاط واجب، باید زکات نقدین را مراعات بنماید. مسأله ۱۹۵۵: استفاده ای که از معدن برده، اگر قیمت آن به پانزده مثقال طلا یا یکصد و پنج مثقال نقره نرسد، خمس آن در صورتی لازم است که به تنهایی یا با منفعتهای دیگر کسب او، از مخارج سالش زیاد بیاید. مسأله ۱۹۵۶: گنج از چیزهای معدنی نیست و کسی که آن را بیرون میآورد، در صورتی باید خمس بدهد که آنچه را بیرون آورده، به تنهایی یا با منافع دیگر کسبش، از مخارج سال او زیاد

بیاید. مسأله ۱۹۵۷: کسی که از معدن چیزی به دست می‌آورد، باید خمس آن را بدهد، چه معدن، روی زمین باشد، یا زیر آن، در زمینی باشد که ملک است و یا در جایی باشد که مالک ندارد. مسأله ۱۹۵۸: اگر نداند قیمت چیزی که از معدن بیرون آورده به یکصد و پنج مثقال نقره یا پانزده مثقال طلا می‌رسد یا نه، بنا بر احتیاط واجب، باید با وزن کردن یا از راه دیگر قیمت آن را معلوم کند. مسأله ۱۹۵۹: اگر چند نفری از معدن بیرون آورند، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده اند، قیمت آن به پانزده مثقال طلا یا یکصد و پنج مثقال نقره برسد، اگر سهم هر کدام آنها این مقدار باشد، باید خمس آن را بدهند. مسأله ۱۹۶۰: اگر معدنی را که در ملک دیگریست بیرون آورد، آنچه از آن به دست می‌آید، مال صاحب ملک است و به جهتی که صاحب ملک، برای بیرون آوردن آن خرجی نکرده، باید خمس تمام آنچه را که از معدن بیرون آمده بدهد. ۳- گنج مسأله ۱۹۶۱: گنج که به آن خمس تعلّق می‌گیرد، مالی است که در زمین، درخت، کوه یا دیوار پنهان باشد به طوری که به آن، گنج بگویند و کسی آن را پیدا کند. مسأله ۱۹۶۲: اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست، گنجی پیدا کند، مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۶۳: نصاب گنج، اگر طلا- و نقره باشد همان اولین نصاب آنهاست که در احکام زکات ذکر میشود. و بعد از کم کردن مخارجی که کرده، اگر به حد نصاب برسد، باید خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۶۴: اگر در زمینی که از دیگری خریده، گنجی پیدا کند و بداند مال مالکین قبل نیست، مال خود او میشود و باید خمس آن را بدهد، اما اگر احتمال دهد مال یکی از آنان بوده، باید به او اطلاع دهد و چنانچه معلوم شود مال او نیست، به قبلی اطلاع دهد و به همین ترتیب به تمام مالکین قبل خبر بدهد و اگر معلوم شود مال هیچ یک از آنان نبوده، مال خود او میشود و باید خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۶۵: اگر در ظرفهای متعددی که در یکجا دفن شده، مالی پیدا کند و قیمت آن روی هم یکصد و پنج مثقال نقره یا پانزده مثقال طلا باشد، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد، ولی چنانچه در چند جا گنج پیدا کند، هر کدام که قیمتش به این مقدار برسد، خمس آن واجب است و گنجی که قیمت آن، به این مقدار نرسیده خمس ندارد. مسأله ۱۹۶۶: اگر دو نفر گنجی پیدا کنند که قیمت آن به یکصد و پنج مثقال نقره یا پانزده مثقال طلا برسد، خمس بر آنها واجب نیست. مسأله ۱۹۶۷: اگر کسی حیوانی را بخرد و در شکم آن، مالی پیدا کند، چنانچه احتمال دهد مال فروشنده است، باید به او خبر دهد و اگر معلوم شود مال او نیست، باید به ترتیب، صاحبان قبلی آن را خبر کند و چنانچه معلوم شود مال هیچ یک آنان نیست، اگرچه قیمت آن یکصد و پنج مثقال نقره یا پانزده مثقال طلا نباشد، باید خمس آن را بدهد. ۴- مال حلال مخلوط با حرام مسأله ۱۹۶۸: اگر مال حلال با مال حرام، طوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه □ مال حلال میشود. مسأله ۱۹۶۹: اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند، ولی صاحب آن را نشناسد، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد. مسأله ۱۹۷۰: اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند، ولی صاحبش را بشناسد، باید یکدیگر را راضی نمایند و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال اوست و شک کند که بیشتر از آن نیز مال او هست یا نه، باید چیزی که یقین دارد مال اوست به او بدهد. و بنا بر احتیاط مستحب مقدار بیشتری که احتمال میدهد مال اوست، نیز به او بدهد. مسأله ۱۹۷۱: اگر خمس مال حلال مخلوط با حرام را بدهد و بعد بفهمد مقدار حرام، بیشتر از خمس بوده، بنا بر احتیاط واجب، باید مقداری که میداند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن، صدقه بدهد و در مصرف، لازم است احتیاط نماید و آن را به سید فقیر بدهد. مسأله ۱۹۷۲: اگر خمس مال حلال مخلوط با حرام را بدهد، یا مالی که صاحبش را نمیشناسد، به نیت او صدقه دهد، هنگامی که صاحبش پیدا شد، در صورت اول، بنا بر احتیاط مستحبی که ترکش سزاوار نیست، به مقدار مالش به او بدهد و در صورت دوم، بنا بر اقوی باید به مقدار مالش، به او بدهد، اگر خودش به نیت او صدقه داده باشد. مسأله ۱۹۷۳: اگر مال حلالی با حرام مخلوط شود و مقدار حرام، معلوم باشد و انسان بداند صاحب آن، از چند نفر معین بیرون نیست، ولی نتواند بفهمد کیست، بنا بر احتیاط واجب، باید همه را راضی کند و اگر راضی

نشوند، باید آن مال را به طور مساوی بین آن چند نفر، تقسیم کند. ۵- جواهری که از دریا به دست می‌آید مسأله ۱۹۷۴: اگر به وسیله غواصی، یعنی فرو رفتن در دریا، لؤلؤ، مرجان یا جواهر دیگری بیرون آورد، رویدنی باشد و یا معدنی، چنانچه بعد از کم کردن مخارج بیرون آوردن آن، قیمتش به هیچ‌ده نخود طلا برسد، باید خمس آن را بدهد، چه در یک دفعه آن را از دریا بیرون آورده باشد یا در چند نوبت و آنچه بیرون آمده از یک جنس باشد، یا از چند جنس. مسأله ۱۹۷۵: اگر بدون فرو رفتن در دریا، به وسیله ای جواهر بیرون آورد و بعد از کم کردن مخارج آن، قیمتش به هیچ‌ده نخود طلا- برسد، بنا بر احتیاط، خمس آن واجب است. ولی اگر از روی آب دریا یا از کنار دریا جواهری بگیرد، تنها در صورتی باید خمس آن را بدهد که آنچه را به دست آورده، به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب او، از مخارج سالش زیادتر باشد. مسأله ۱۹۷۶: خمس ماهی و حیوانات دیگری که انسان بدون فرو رفتن در دریا می‌گیرد، در صورتی واجب است که به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب او، از مخارج سالش زیادتر باشد. مسأله ۱۹۷۷: اگر انسان بدون قصد اینکه چیزی از دریا بیرون آورد، در دریا فرو رود و اتفاقاً جواهری به دستش آید، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد و اگر هنگامی که جواهر به دستش آمده قصد حیازت و تملک نموده باشد، بنا بر اقوی باید خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۷۸: اگر انسان در دریا فرو رود، حیوانی را بیرون آورد و در شکم آن جواهری پیدا کند که قیمتش هیچ‌ده نخود طلا یا بیشتر باشد، چنانچه آن حیوان مانند صدف باشد که معمولاً در شکم جواهر هست، باید خمس آن را بدهد و اگر اتفاقاً جواهری بلعیده باشد، در صورتی خمس آن واجب است که به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب او، از مخارج سالش زیادتر باشد. مسأله ۱۹۷۹: اگر در رودخانه‌های بزرگ، مانند دجله و فرات فرو رود و جواهری بیرون آورد، چنانچه در آن رودخانه جواهر عمل می‌آید، باید خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۸۰: اگر در آب فرو رود و مقداری عنبر بیرون آورد که قیمت آن هیچ‌ده نخود طلا- یا بیشتر باشد، باید خمس آن را بدهد و چنانچه از روی آب و یا از کنار دریا به دست آورد، بنا بر احتیاط خمس آن واجب است. مسأله ۱۹۸۱: کسی که کسبش غواصی یا بیرون آوردن معدن است، اگر خمس آن را بدهد و چیزی از مخارج سالش، زیاد بیاید بنا بر احتیاط دوباره خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۸۲: اگر بچه ای معدنی را بیرون آورد، یا مال حلال مخلوط با حرام داشته باشد، یا گنجی پیدا کند و یا به سبب فرو رفتن در دریا جواهری بیرون آورد، بنا بر احتیاط ولی او باید خمس آن را بدهد. ۶- غنیمت مسأله ۱۹۸۳: اگر مسلمانان به دستور امام معصوم (ع) یا نایب او، حتی اگر فقیه جامع الشرایط باشد با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند، به آنها غنیمت گفته میشود و مخارجی را که برای غنیمت کرده اند، مانند مخارج نگهداری، حمل و نقل آن و نیز مقداری را که امام معصوم (ع) صلاح میداند، به مصرفی برساند و چیزهایی که مخصوص به امام (ع) است باید از غنیمت، کنار گذاشته شود و خمس بقیه آن را بدهند. ۷- زمینی که ذمی از مسلمان بخرد مسأله ۱۹۸۴: اگر کافر ذمی زمینی را از مسلمان بخرد، باید خمس آن را از همان زمین، یا از مال دیگرش بدهد. و اما اگر خانه، دکان و مانند اینها را از مسلمان بخرد، وجوب خمس آن، در این صورت محل اشکال است. و در دادن این خمس قصد قربت لازم نیست. و حاکم شرع نیز که خمس را از او می‌گیرد، لازم نیست قصد قربت نماید. مسأله ۱۹۸۵: اگر کافر ذمی زمینی را که از مسلمان خریده، پیش از پرداخت خمس آن، به مسلمان دیگری بفروشد، باید خمس آن را بدهد و نیز اگر بمیرد و مسلمانی آن زمین را از او ارث ببرد باید خمس آن را از همان زمین، یا از مال دیگرش بدهد. مسأله ۱۹۸۶: اگر کافر ذمی هنگام خریدن زمین شرط کند خمس ندهد، شرط باطل است، اما اگر شرط کند فروشنده خمس آن را بدهد، شرط صحیح است. مسأله ۱۹۸۷: اگر مسلمان، زمینی را به غیر از خرید و فروش، ملک کافر کند و عوض آن را بگیرد، مثلاً با او صلح نماید، بنا بر احتیاط خمس آن را بدهد. مسأله ۱۹۸۸: اگر کافر ذمی صغیر باشد و ولی او برایش زمینی بخرد، بنا بر احتیاط باید خمس آن را بدهد. مصرف خمس مسأله ۱۹۸۹: خمس را باید دو قسمت کنند، یک قسمت آن (سهم سادات) است و باید به سید فقیر، یا سید یتیم فقیر و یا سیدی که در سفر درمانده شده بدهند و نصف دیگر آن سهم امام (ع) است، که در این زمان، باید به مجتهد جامع الشرایط بدهند، یا به مصرفی که او اجازه میدهد برسانند. مسأله ۱۹۹۰:

سید یتیمی که به او خمس میدهند، باید فقیر باشد، ولی به سیدی که در سفر درمانده شده، حتی اگر در وطنش فقیر نباشد، میشود خمس داد. مسأله ۱۹۹۱: سیدی که در سفر درمانده شده، اگر سفر او سفر گناه باشد، بنا بر احتیاط واجب نباید به او خمس بدهند، مگر توبه نموده باشد. مسأله ۱۹۹۲: به سیدی که عادل نیست، میشود خمس داد، ولی به سیدی که دوازده امامی نیست، نباید خمس بدهند. مسأله ۱۹۹۳: به سیدی که گناهکار است، اگر خمس دادن کمک به گناه او باشد، نمیشود خمس داد و به سیدی که آشکارا گناه میکند، اگرچه دادن خمس، کمک به گناه او نباشد، بنا بر احتیاطی که ترکش سزاوار نیست، نباید خمس بدهند. مسأله ۱۹۹۴: اگر کسی بگوید سیدم، نمیشود به او خمس داد، مگر دو نفر عادل، سید بودن او را تصدیق کنند، یا در بین مردم معروف باشد که سید است. مسأله ۱۹۹۵: به کسی که در شهر خودش مشهور باشد (سید) است، اگرچه انسان به سید بودن او یقین نداشته باشد، میشود خمس داد. مسأله ۱۹۹۶: کسی که زنش سید است، بنا بر احتیاط واجب، نباید به او خمس بدهد تا برای مخارجش مصرف نماید، ولی اگر مخارج دیگران بر آن زن واجب باشد و نتواند مخارج آنان را بدهد، جایز است شوهرش به او خمس بدهد تا برای آنان مصرف نماید. مسأله ۱۹۹۷: اگر مخارج سیدی که زن انسان نیست، بر انسان واجب باشد، بنا بر احتیاط واجب نمیتواند از خمس، خوراک و پوشاک او را بدهد. مسأله ۱۹۹۸: به سید فقیری که مخارجش بر دیگری واجب است و او نمیتواند مخارج آن سید را بدهد، میشود خمس داد. مسأله ۱۹۹۹: بنا بر احتیاط واجب بیشتر از مخارج یک سال، به یک سید فقیر، خمس ندهند. مسأله ۲۰۰۰: اگر در شهر انسان، سید مستحق نباشد و احتمال ندهد پیدا شود، یا نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن نباشد، باید خمس را به شهر دیگری ببرد و به دست مستحق برساند و میتواند مخارج بردن آن را از خمس بر دارد و اگر خمس از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده، باید عوض آن را بدهد و اگر کوتاهی نکرده، چیزی بر او واجب نیست. مسأله ۲۰۰۱: هرگاه در شهر خودش مستحق نباشد، ولی احتمال دهد که پیدا شود، اگرچه نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن باشد، میتواند خمس را به شهر دیگری ببرد و چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکند و تلف شود، نباید چیزی بدهد، ولی نمیتواند مخارج بردن آن را از خمس بردارد. مسأله ۲۰۰۲: اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، باز میتواند خمس را به شهر دیگری ببرد و به مستحق برساند، ولی مخارج بردن آن را باید از خودش بدهد و در صورتی که خمس از بین برود، اگرچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد ضامن است. مسأله ۲۰۰۳: اگر با اجازه حاکم شرع، خمس را به شهر دیگری ببرد و از بین برود، لازم نیست دوباره خمس بدهد و همچنین است اگر به کسی بدهد که از طرف حاکم شرع وکیل بوده تا خمس را بگیرد و از آن شهر، به شهر دیگری ببرد. مسأله ۲۰۰۴: اگر خمس را از خود مال ندهد و از جنس دیگری بدهد، باید به قیمت واقعی آن جنس حساب کند و چنانچه جنسی را که بابت خمس، به مستحق میدهد گرانتر از قیمت واقعی حساب کند، اگرچه مستحق، به آن قیمت راضی شده باشد، باید مقداری را که زیاد حساب کرده بدهد. مسأله ۲۰۰۵: کسی که از مستحق طلبکار است، میتواند طلب خود را بابت خمس حساب کند. مسأله ۲۰۰۶: مستحق نمیتواند خمس را بگیرد و به مالک ببخشد، ولی کسی که مقدار زیادی خمس، بدهکار است و فقیر شده و میخواهد بدهکار اهل خمس نباشد، اگر مجتهد راضی شود که خمس را از او بگیرد و به او ببخشد اشکال ندارد.

احکام اعتکاف

مسأله ۱۸۹۲: (اعتکاف) عبارت از ماندن در مسجد جامع است، به قصد عبادت و تقرب به درگاه الهیو این کار، مستحب و دارای اجر و ثواب بسیار زیادی میباشد. مسأله ۱۸۹۳: پشت بام مسجد، زیر زمین و محراب آن جزو مسجد است و همچنین اگر مسجد توسعه پیدا کرده باشد. و فرقی نمیکند در حال اعتکاف، ایستاده باشد یا نشسته، بیدار باشد یا خواب. مسأله ۱۸۹۴: هر وقتی که روزه گرفتن صحیح باشد، اعتکاف نیز صحیح است و بهترین اوقات آن، ماه رمضان میباشد. مسأله ۱۸۹۵: در اعتکاف چند چیز شرط